

عقل سالم در بعدا سالم

نمونه خونم رو فرستادم به یک آزمایشگاه معتبر بین المللی، واقع در کلن آلمان، که میگن سردرش عکس "ابوعلی سینا"ی خودمون رو زدن و این شعر رو هم نوشتن:

بی همگان به سر شود بی تو به سر نمیشود، داغ تو دارد این دلم جای دگر نمیشود

برای اثبات "آریایی" بودنم و محکم کوبوندن توی دهن همه اون کسایی که شک نابجا بردن به "آریایی" بودن من، با مدرک کتبی و مستدل.

دو هزار و پونصد اوقو هم هزینه ش بود که برای نشون دادن اخلاق مهمان نوازی ما ایرانیا همه ش رو یجا و پیشپیش پرداختم.

بعد از ماهها چشم انتظاری، جوابش اومد:

جناب آقای فاضل-وحید

ریاست کل آزمایشگاه رسمی و بین المللی کلن-آلمان، با کمال مسرت و شادمانی، مفتخر است، جواب آزمایش شما نشانگر این است که شما از خاندان بزرگ و اشرافی "قاجار" هستید. بدین ترتیب شما از شاهزاده های ایران هستید و به افتخار اینکه شما اولین شاهزاده ای هستید که این آزمایشگاه مفتخر به لمس خونش شده است، لوح یادبودی و یک عدد بلیط رفت و برگشت به شهر زیبای کلن، همراه با این جوابیه تقدیم میشود. تمامی کارکنان و من مشتاقانه منتظر دیدار شما هستیم.

با احترام

آدلف هرتز فردریشتن

ریاست کل آزمایشگاه کلن-آلمان

این دومین باری بود که برخلاف تصور متصدی آزمایشگاه، من اصلن خوشال نشدم. بار اول توی تهران، خانم متصدی بعد از تبریک گفتن، با دیدن قیافه خراب من و داغون طرف مربوطه، گفت: ببخشید. نمیدونستم شما با هم ازدواج نکردین.

گوشی رو برداشتم زنگ زدم به آزمایشگاه که مستقیم با خود این مردک صحبت کنم. کسی جوابگو نبود. خاک بر سرا. رفت روی پیغامگیر. منم پیغام گذاشتم:

مرد مومن، قاجاری بودن که افتخارنداره. همه مملکتو به چیز دادن رفت. نمیشه یه نیگا بندازی اون ته و توی خون من ببینی به کوروش یا داریوش نمیخوره؟ هر چی ام هزینه ش بشه میدم. پول شیرینی شما و بچه ها، پیش من محفوظ. یه کاری واسم بکن. به خدا گیرم. خدا هم که نمیشناسین شما کافرا. آبروم در خطر. آبرو که میفمین چیه؟ وانگهی، واسه خودتم خوب نیس. اینطوری دیگه من و شما هم نژاد نیستیم. مگه شما آلمانی نیستین؟ اون بلیط رو هم نمیخوام اصن. میبرمتون "سافرانسیسکو" ها. خوش میگذره.

ساعتو نیگا کردم. حساب کتاب کردم دیدم الان اونجا ساعت دو و رب بعدازنصفه شبه. حالا فردا بیاد ببینم چقدر هوامو داره.

وحید

بریزبن-استرالیا

نوزدهم نومبر دوهزار و پونزده